

انسان را شغل و مقامی جز بندگی نیست، و بین او و پرورش دهنده او پرده و پوشش وجود ندارد، و ناگزیر است که سرانجام در برابر او حاضر شود، پس بر اوست که در ایستگاه مسکنت و درماندگی توقف کند و شاخص بندگی را در سرزمین نفس خود بکوبد و به طرف پروردگار عزت بخش رو کند.

سال دوم، شماره دوازدهم، پنجشنبه ۱۲ ثور سال ۱۳۸۷ - مطابق با ۲۴ ربیع الثانی سال ۱۴۲۹

طلیحه سخن

چقدر امید وار باشیم

مسئولین باید به گونه ای عمل کنند که مشکلات مردم حل شود، مسئولین نسبت به این مردم باید دلسوزی داشته باشند و مشکلات عدیده از قبیل گرانی، تورم، ناامنی و بیکاری دغدغه، کاری آنها باشد. باتوجه به اعتقادات و عنعنات عمیق اسلامی جامعه، سبزه جوان هر چند وقت یک بار با طرح پروگرام جدیدی جامعه را مصروف نگه می دارند. ترویج مفاسد اخلاقی در رسانه های جمعی بخصوص تلویزیون ها که از بی برنامهگی دائماً روند جامعه را به خمودی هدایت می نمایند و ارزش های والای که مجاهدین سالهای متمادی از آن پاسداری نمودند و شهدا و معلولین فراوانی را ارائه دادند مد نظر قرار نمی دهند ۷ ثور را کم رنگ و ۸ ثور را در پرتو حادثه تفسیر می نمایند، عنعنات ما را به بازی میگیرند، کم کاریها را با ابهام طالبان تفسیر می نمایند و از همه مهمتر معضله کوچی ها را هنوز نتوانسته حل نمایند. شاید مشکلات فراوان امروز حرکت و روند جامعه را آرام تفسیر نمایند و مطالبه مردم از مسئولان در دولت، مجلس و استر محکمه در تاریخ معنا پیدا کند، ولی در همه حال باید آزاد مرد بود و به نجوای دیگران نیز باید گوش نمود و حرکت های اصلاحی را با دل و جان خرید با ید توجه داشت. پیشرفت و عدالت دو شاخص مهم جامعه است، عدالت بدون پیشرفت منجر به برابری در فقر خواهد شد، پیشرفت بدون عدالت هم هرگز مطلوب نخواهد بود، زیرا در کنار رفاه و پیشرفت جامعه باید فواصل طبقاتی کم شود و همه کسانی که استعداد تحرک کار و تولید دارند از فرصت های برابر برخوردار شوند و اگر این استعداد ها شکوفا شود به مطلوبیت نمی رسیم زیرا هدف ثابت نیست مقوله پیشرفت چهارچوبه مشخص ندارد، تا بتوان از پله های آن بالا رفت بلکه به حدی از توان خارج شده که حتی لذت استفاده از تکنولوژی و پیشرفت هم برای ما باقی نمی ماند، شاید وقت آن رسیده تا یکبار دیگر در تمام کارهای خود نظریه کنیم و خود را در بوته آزمایش بینم و به حق مردم ما مردم خوبی است و ارزش ها را ارج می نهند و حتما آینده گان نسبت به ما قضاوت خواهند داشت و مواصب باشیم که فرزندان ما نسبت به اعمال و رفتار ما که در تاریخ ثبت خواهد شد زانوی غم را بغل نگیرند



در هفته گذشته اقبال مختلف با حضرت آیت الله صالحی مدرس دیدار داشتند

در جمع طلاب و محصلین حوزه علمیه کابل که در مدرسه انجام گرفت فرمودند: هر کسی حدیث و هرگونه امور معنوی را برای پیشبرد منافع مادی خود بخواهد ثواب اخروی برایش نمی ماند (کافی ۱/ ۴۴) عزیزان اگر غیر از خدا، و ترویج فرهنگ اهلیت (ع) وارد این عرصه شدید بدر نمی خورد چون احتمال نرسیدن به اهداف غیر خدایی بسیار زیاد است زیرا هزینه زندگی و رشد تک تک سلولهای بدن مایان از عنایات آقا امام زمان (عج) است در صورتی که با تشخیص و نیت خدائی باشد خداوند تبارک و تعالی به او خیر دنیا و آخرت میدهد. کسی که برای خیر آخرت بدنبال علم معارف اهلیت (ع) برود غصه دنیا را نخورد خودش می آید. از امام سجاد (ع) روایت داریم که امام (ع) از فردی که برای ساختمانش پنجره ای درست نموده بود پرسید پنجره برای چیست؟ جواب داد: برای استفاده از نور آفتاب، امام (ع) فرمودند: چرا نگفتی می خواهم صدای اذان نماز اول وقت را درک نمائیم پس معلوم می شود بعد از نیت، نماز اول وقت بسیار موثر است. و طلاب انشاءالله از این فیض محروم نشوند قاعده عمومی این است که هر کس بدنبال دنیا نباشد دنیا بدنبالش می دود و این در احوالات بزرگان مشهود است اگر مبلغ منبرش برای خدا باشد نور و برکت بدنبال دارد، خلاصه کلام اینکه در لباس مقدس روحانیت با چین و عمامه نمی شود بدنبال دنیا بود، کمیت شاعری است در زمان اما محمد باقر (ع) شعری خدمت امام (ع) تقدیم داشت، امام (ع) خواست هدیه به او تقدیم نماید کمیت قبول نفرمود، فرمود این شعر را برای خدا سرودم و اگر می خواستم برای دنیا شعر بگویم، شعر را نزد هشام می خواندم و از نظر عقلانی عالمی که برای پول درس بخواند و تبلیغ کند، شاید برای پول هم دین را بفروشد.

کابل تعطیل بود از فرصت استفاده نموده طبق معمول در منطقه رفته و وظیفه تدریس و تبلیغ احکام دینی را به عهده داشتم که از آنجمله از منبرخوانی های روز های جمعه و ایام عاشورای حسینی میتوان نام برد. و بحمد الله موفق گردیدم که در برنامه های جمعه خوانی اصول عقاید را از توحید تا معاد به شکل درس برای مردم آن سامان بیان کنم. خاطراتی که از دوران تحصیل دارم از جمله این است که: در آن زمان که ما مشغول تحصیل و فراگیری سطوح ابتدایی و متوسطه بودیم محدودیت در زمینه های درسی بود، یعنی شدیداً ما محتاج درس، مدرس و امکانات درسی بودیم که تقریباً یک نیم ساعت راه را پیاده طی می کردیم تا خود را به مدرسه رسانیده و درس بگیریم. اگرچه در سالهای ۱۳۷۳ با آمدن استاد بزرگوار ما حاجت الاسلام والمسلمین الحاج خدابخش محسنی که روش جدیدی را جهت تقویه سطح فرهنگی طلاب و محصلین علوم دینی آن سامان در پیش گرفت و از جمله بیشتر روی ادبیات عربی که یک ضرورت است نتایج خوبی را بدست طلاب داد، و توانست در روش درسی یک تحولی را ایجاد نماید ولی با نبود امکانات و مواد درسی مشکلات طلاب کماکان باقی بود. و بحمد الله با بازگشای حوزه علمیه کابل و تشریف آوری اساتید عالیقدر از جمله حضرت آیت الله صالحی مدرس که عنایتی خداوندی به جامعه ما است و درسهای مورد ضرورت را تدریس مینماید و با ایجاد حوزه علمیه رسالت با داشتن کتابخانه بزرگ و نوارخانه غنی با داشتن انواع کاست ها و سی دی های درسی که در خدمت طلاب عزیز قرار دارند، تاحدی



رحمت الله واعظ در گفتگو با رسالت حوزه

اینجانب رحمت الله واعظ از ولایت غزنی ولسوالی ناهور از طلاب حوزه علمیه کابل هستم و فعلاً درحوزه علمیه رسالت مشغول تحصیل می باشم اینجانب سطوح ابتدایی و متوسطه را در مدارس علمیه مناطق برجگی خواندم و قسمت هایی از قطع و ظن و براءت کتاب رسائل و مکاسب محرمه و قسمتی از مکاسب بیع را درحوزه علمیه کابل - رسالت، در محضر استاد عالیقدر حوزات علمیه حضرت آیت الله صالحی مدرس تلمذ نمودم که فعلاً هم در کنار باقی دوستان و محصلین علوم دینی مشغول تحصیل جلد اول کفایه الاصول و کتاب بیع مکاسب در خدمت معظم له میباشم، البته درسهای ایشان از جمله درس کفایه الاصول از جمله درسهای مورد اشد ضرورت حوزه علمیه کابل است که تقریباً در حدود ۹۰ نفر در درس ایشان شرکت دارند، امید است که خداوند منان برای ایشان توفیق مزید و طول عمر بابرکت عنایت فرماید زمستان سال گذشته یعنی زمستان سال ۱۳۸۶ که حوزه علمیه طبق طرح شورای مدیریت حوزه علمیه

به نیازهای طلاب عزیز پاسخ گفته شده اند، اگرچه فعلاً هم محصلین علوم دینی مشکلاتی زیادی در سر راه دارند که نمیتوان در اینجا ذکر نمود. و در آینده دو پیشنهاد داریم:

۱- پیشنهاد اول من برای محصلین علوم دینی اینست که از فرصت استفاده نموده کوشش نمایند به درسهای خویش ادامه دهند و آنها را به علاوه حوزه درجاهای دیگری از قبیل دانشگاه و مکاتب درس دارند به دروس حوزوی شان ادامه دهند

و به خود شان اجازه ندهند که از حوزه تمام افتخارات مکتب اسلام و مرکز ترویج فرهنگ اسلام است فاصله بگیرند.

۲- پیشنهاد دوم من برای مسئولین مدارس علمیه است که یک هماهنگی کامل را بوجود آورده کوشش نمایند تا زمینه های رشد سطح فرهنگی را بیشتر مهیا ساخته و به مشکلات طلاب توجه داشته باشند از جمله مشکلی که وجود دارد عدم هماهنگی مدارس علمیه در نظام پایه بندی مضامین تدریسی حوزه است که امید است هیئت محترم علمی و باقی مسئولین حوزه علمیه در این زمینه توجه نموده یک پایه بندی استاندارد را باتوجه با در نظر داشت مشکلات طلاب ارائه نمایند و در نماز جماعات، مراسم های دینی اخصاً در دعای کمیل و توسل شرکت فعال داشته باشند و از مباحثه، تمرین منبر دور نشوند که این میراث گرانبهای علمای و گذشتگان را به نسل بعدی منتقل نماییم

روز کارگر بر کارگران زحمت کش، متدین و خداجوی افغانستان مبارک باد

آخرین تو طئه

محمد علی رجایی

نشر مجدد کاریکاتور اهانت آمیز به ساحت قدسی آخرین سفیر خدا در نشریه دانمارکی و هم چنین تهیه فلم موهن (فتنه) توسط افراطیهای هالندی و نشر قسمتهای این فلم در یک سایت انترنتی ، طوفانی از خشم و انزجار مسلمانان را برانگیخت و کره زمین که سر منزل مشترک است به سمت ، هرج مرج و ناامنی، سوق داده شد. این نکته پیداست که اهانت و تحقیر به باورهای مسلمان و شخصیت های پیشناز خصوصاً شخصیت والای پیامبر مکرم اسلام پیشینه ای تاریخی دارد که در طول حیات سیاسی اجتماعی اسلام از آغاز تاکنون دشمنان سرافکننده اسلام پس از عجز و ناتوانی از حربه تحقیر و توهین استفاده کردند. لذا این فلم تصمیم دارد که پیشینه تاریخی اهانت به پیامبر و علل آن را بررسی نموده وظایف امت اسلامی را در قبال این وقایع تکان دهنده به قدر و توان خویش بیان نماید. پیشینه تاریخی اهانت به ساحت والای منجی جهان بشریت شاهکار آفرینش حضرت محمد(ص) برمیگردد به سالیان اخیر بعثت که برای روشن شدن این مطلب ناگزیر باید قدری از وقایع صدر اسلام را بررسی نمایم. در روز بعثت که چهل سال از عمر پربرکت پیامبر عالیقدر اسلام گذشته بود فرشته وحی به پیغمبر نازل شد و آیات چندی را از کلام الله مجید به عنوان طلیمه کتاب هدایت و نجات در غار حرا بر او خواند. و بدین سان حضرت محمد(ص) به عنوان آخرین سفیر خدا در روی زمین گماشته شد تا بشریت را از سقوط نجات داده ارزشهای اخلاقی را زنده نماید. بی شک که این ماموریت ماموریت سنگین و سخت است که انجام آن بجز از شخص پیامبر عالیقدر اسلام که دارای روح متعالی و پالایش یافته بود از عهده هیچ کس دیگر بر نمی آید. زیرا پیامبر عالیقدر اسلام در شرائطی رسالت جهانی خود را ابلاغ نمود که انسانهای آن روز به سرعت راه سقوط را می پیمودند ظلم ، جنایت ، وحشیگری به حدی رسیده بود که پدران از زنده به گور کردن دختران خود لذت می بردند از علم ، دانش و مدنیت خبری نبود زندگی جمعی در جزیره عربستان از سطح قبیله بالاتر نرفته بود قبیله متشکل از چند خانواده بود که تحت ریاست شیخ قبیله به سر میبردند کلیه تصمیم گیری های جمعی بر اساس منافع قبیله بود مال جان و ناموس افراد بیرون از قبیله احترام نداشت تجاوز به قبائل دگر به هر شکل آن مجاز و بلکه غرور آفرین تلقی میشد. ارتقاء حکومت قبیله به نظم نوین جهانی کار دشواری است که پیامبر عالیقدر اسلام پیش رو داشت پیامبر نخست دعوت سری را آغاز، این مرحله که تقریباً سه سال را در برداشت مرحله آغازین دعوت پیامبر عالیقدر اسلام بود که به جای توجه بر عموم مردم به فرد سازی بدل مساعی شد و پیامبر افراد چند را به یکتا پرستی دعوت نمود و بدین ترتیب هسته مرکزی مسلمانان تشکیل شد. سران قریش در این مدت سه سال مشغول خوش گذرانی و سرمست عیش و یاده نوشی بود

در حالی که کم و بیش از دعوت رسول خدا آگاهی داشت کوچک ترین واکنش نشان نداد. بعد از سپری شدن سال سوم بعثت با تشکل یافتن هسته مرکزی مسلمانان پیامبر دعوت خود را آشکار و عمومی ساخت ابتدا از بنی هاشم شروع نموده بعد ساکنین مکه و هم چنین قبائل بیرون از مکه را به اسلام فراخواند. پیامبر مردم را به یکتا پرستی میخواند و تعاون احترام متقابل ایجاد محیط سالم و عاری از تجاوز رفاه اقتصادی و از بین بردن طبقات در دستور کار پیغمبر قرار داشت. بنابر این ضعف و مظلومین که قربانی سیاست ظالمانه سران قریش گردیده بودند بی درنگ گرایش به مکتب جدید التاسیس پیدا کردند، ندای عدالت خواهی پیامبر در افق مکه ظنن افکند و توجه گروهی از قبائل مختلف را به خود معطوف ساخت و بدین ترتیب یک صف فشرده و واحد دارای انسجام و قاطعیت در برابر صفوف کفر و بت پرستی ایجاد شد. جهان عرب آرزوی سرمست در فکر و ذکر خوش گذرانی در کام بحران فرورفته بود جبهه بندها وجود داشت ولی این جبهه که جدیداً در مکه توسط پیامبر بنیان گذاری شده بود کم کم اعلام وجود میکرد باتمامی جهات گذشته فرق داشت. چونکه اکثر جهات پیشین از افراد یک قبیله و یا چند قبیله هم پیمان تشکیل می شد برای منافع قبیله مخصوص تلاش میکرد ولی این جبهه برخلاف دیگر جهات فراقبیلوی بود و افراد چندی از هر قبیله در آن حضور داشت و هدف آن برچیدن بساط شرک و بت پرستی و ظلم و وحشیگری از روی زمین بود و در جهان آنروز خصوصاً در جامعه آن روز عرب تنها جبهه ای بود که از ایجاد حکومت واحد جهانی و نظم نوین فراگیر سخن میگفت که در سایه ان امنیت کافی در جهان به وجود آمده بشر از بدویت بسوی مدنیت سوق داده شود. همزمان با گسترش اسلام در مکه زنگ خطر در میان محافل کفریت و بت پرستی به صدا در آمد سران قلدور و عیاش قریش که منافع خود را کاملاً در خطر دیدند دست به اقدامات زدند و برای مهار کردن آئین جدید جلوگیری از گسترش اسلام تلاش های مستمر و دامادار خود را آغاز نموده و برای رسیدن به مقصود از هیچ کار دریغ نوزیدند. اقدامات سران قریش را میتوان بدین گونه ترتیب بندی نمود ۱- ایجاد رعب و وحشت در میان مسلمانین ۲- تطمیع و تحریث مسلمانین و شخص پیامبر عالیقدر اسلام ۳- اذیت و آزار مسلمانین و شخص پیامبر عالیقدر اسلام ۴- جلوگیری از ملاقات مردم با پیامبر ۵- محاصره اقتصادی مسلمانین ۶- توهین و تحقیر پیامبر عالیقدر اسلام و بستن تهمت های ناروا به ساحت قدسی او. کفار قریش در اقدامات شماره ۱ و ۳ خویش به حد زیادی از بالاترین مراتب شکنجه نسبت به یاران پیامبر دریغ نوزیدند از آنجاییکه گفتم قبیله گرائی در میان عرب های آن روز سهم به سزائی داشت بیشترین شکنجه نصیب قبیله کم قدرت و ضعیف بود مثل

عمار یا سرو..... شکنجه و آزار مسلمانین که از یک طرف حاکی از پایمردی و استقامت مسلمانین است از طرف دیگر روح شقاوت مندانه و تفکر انسان ستیز و وحشیانه سران قریش را به تصویر میکشید لذا در نتیجه مسلمانان به حبشه هجرت نمودند بدین ترتیب عده ای از برده های تازه گزیده به اسلام و مسلمانان ناتوان از چنگ گران قریش نجات یافت . حرب دیگر کفار قریش تحریث و تطمیع مسلمانین و شخص پیامبر عالیقدر اسلام بود که در این زمینه به حدی تلاش کرد که تعدادی از سران به ابوطالب عم بزرگوار پیامبر پیشنهاد نمودند که ما ریاست مکه و مال هنگفت و بهترین دختران قریش را در اختیار محمد (ص) میگذاریم و لی دست از نشر آئین جدید بر دارد که وقتی ابوطالب این پیام را به پیامبر رساند حضرتش فرمود : اگر آفتاب را در دست راست و مهتاب را در دست چپم قرار دهد دست از دعوتم بر نمی دارم . درست تمامی این نقشه های شوم نقش و تحریم اقتصادی پیامبر عالیقدر اسلام و یاران با وفایش را بی ریزی و بدین سان پیامبر و یارانش مدت سه سال تمام در شعب ابوطالب در سخت ترین روزگار به سر برد که در طی این سه سال کفار قریش دقیقاً کاری را مرتکب شد که استعمار امروز و دشمنان اسلام در عصر حاضر نیز از آن شیوه استفاده می کنند. گویند: که در ماههای حرام که مسلمانان از شعب به خاطر خریداری مایحتاج بیرون می آمدند کفار قریش دست به خرید وسیع میزد و قیمت را در بازار چندین برابر بالا میبرد تا توان خرید از مسلمانین سلب گردد. به هر ترتیب مسلمانان صدر اسلام در سایه رهبری و هدایت پیامبر عالیقدر اسلام تمام این زحمات طاقت فرسا را که از شنیدن ان دل می لرزد و مو راست میگردد متقبل شد و نقشه های پلید دشمن نقش بر آب گردید . کار به جای کشید که کفار قریش از ترس تأثیر کلمات پیامبر و آیات قرآن مجید که پیامبر میخواند پنه بر گوش میگذاشت تا صدای پیامبر را نشنود و برای مردم خارج از مکه که برای زیارت حج میامد توصیه میکرد که به زیارت خانه خدا نروند و اگر میروند پنه بر گوش بگذارند تا تحت تأثیر پیامبر قرار نگیرد . اوضاع همین گونه به پیش میرفت ولی صدای دل نشین پیامبر که از پیشخوانه غیبی و امداد الهی برخوردار بود از میان موانع ساختگی عبور کرده بردلها نشست و هر روز خبر جدید از اسلام آوردن تعدادی منتشر میگشت تا اینکه کفار قریش مجبور شد از توهین و تحقیر به عنوان آخرین حربه استفاده نمایند. روز جمعی از سران در حضور حکیم، سخن دان و سراینده معروف گردهم آمده تصمیم گرفت که به پیامبر عزیز اسلام نسبت های ناروا ببندد تا که شاید قدری از پیشرفت سریع اسلام جلوگیری به عمل آید . نسبت های همانند ساحر ، کاذب ، کاهن و شاعر از طرف حاضرین پیشنهاد گردید که مورد قبول اعضا جلسه واقع نشده بالاخره به نسبت جنون پا فشاری زیاد تر صورت گرفت.

(ادامه در صفحه ۴)

اخبار کوتاه جهان

کامرون - در منطقه "مروه" در شمال کشور کامرون، ۱۲۵۱ نفر در مراسمی با شکوه به دین اسلام گرویدند. در مراسمی که به همین مناسبت برگزار شد، برخی از مقامات کشورهای چاد و نیجریه نیز شرکت داشتند.

یمن - رئیس دانشگاه الایمان یمن از راه اندازی شبکه ماهواره ای دفاع از پیامبر اکرم (ص) در این کشور خبر داد. عبدالمجید الزندانی اعلام کرد: این شبکه ماهواره ای به همت دانشگاه الایمان یمن به دو زبان انگلیسی و عربی برنامه های ویژه ای تولید و پخش خواهد کرد. وی افزود: مسئولان این شبکه بیان تعالیم ارزنده دین مبین اسلام و پاسخ به شبهات در این باره را در رأس برنامه های خود قرار خواهند داد

جاپان - در جاپان هر پانزده دقیقه یک نفر

خودکشی می کند.

مصر - نخستین عاقد زن در مصر منصوب شد.

یکی از دادگاههای مصر با تشکیل جلسه ویژه ای برای نخستین بار در جهان اسلام یک زن را به عنوان عاقد منصوب کرد. به گزارش خبرگزاری پایگاه اطلاع رسانی العربیه نت ، خانم "عنفی سلیم" ۳۲ ساله با تحصیلات کارشناسی ارشد رشته حقوق ، برای عهده دار شدن این منصب ، پس از رقابت با ده نفر از مردان سر انجام باحکم دادگاه زقازیق مصر این عنوان را به خود اختصاص داد. علی جمعه ، مفتی مصر با صدور فتوی ممنوع نبودن این شغل برای بانوان مسلمان، حمایت خود را از این امر اعلام کرد. یادآوری می شود در سال ۲۰۰۳ میلادی ((تهانی الجالی)) از بانوان مصری برای نخستین بار به عنوان قاضی زن در این کشور منصوب شد و تاکنون شماری زیادی از بانوان این کشور امور مربوط به قضاوت و وزارت در بخش های مختلف مصر را بر عهده گرفته اند.

انگلیس - دکتر علی رضوان الاوسی ، مسئول عربی مرکز اسلامی لندن : وهابیت یک مذهب فقهی نیست و نمی تواند به نیاز جامعه بشری پاسخ دهد ، از این رو این فرقه استمرار نیافته و سقوط خواهد کرد.

اتریش - وزارت دفاع اتریش برای نخستین بار دو خطیب مسلمان را برای پاسخ گویی به نیاز های روحی سر بازان مسلمان در ارتش اتریش منصوب کرد.

آمریکا - شبکه سی . ان . ان : هزینه تبلیغات نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری امریکا که از بیش از یک سال پیش آغاز شده است . بنا به نظر کارشناسان از مرز یک میلیارد دلار خواهد گذشت !

امیربلاغت / قسمت سوم / علی زاده مالستانی

اعتراف و مجربیت ابن نون به سخنان طیب بن ایطالب (ع)

اینک به نمونه ای از اهل ذوق و صرافان سخن ، که سخنان حضرت امیرمومنان (ع) را ، مورد ارزیابی قرار داده و مجذوب و شیدای آن گردیده اند پرداخته می شود

ابو عثمان جنید و دلانگی او به سخنان طیب (ع)

۱- ابو عثمان ، عمرو بن بحر ملقب به جاحظ ، وی ادیب پرآوازه ای عرب و به امام ادب عربی معروف است ، در مورد صد سخنی که از حضرت امیرمومنان (ع) جمع آوری کرده بود ، قلبش متحیر و خروش و مبهوت گشته بود . وی اعتراف داشت ، سخنانی که وی جمع آوری کرده است ، معانی حکمت آمیز را که حاوی خلق های نفسانی برجسته است ، در بردارد که اول آنها این است : "لو کشف الغلام زددت یقیناً" یعنی ؛ اگر پرده ها از نظرم برداشته شود ، بریقینم افزوده نمی شود. به راستی کسی که هدایت برایش روزی شده ، اگر سخن او را مورد دقت قرار دهد ، می بیند که در سلسله ای است از واژه های شفاف ، برتر و دلپسند تنظیم یافته است ، نه واژه های استعمال شده و کهنه در آن وجود دارد و واژه های مشکل و پیچیده ، سخنان او برای نفوس آماده و طبع های برگزیده و خردمندان نیک سیرت ، مطبوع و دلپذیر است ؛ آنچنانکه به دلها چنگ می زند ، به سان چنگ زدن شخص مضطرب به دستگیره ای محکم

رهید الدین و طوطی و صدق به زبانی سخنان طیب (ع)

۲- رشید الدین و طوطی - صاحب کتاب حدایق السحر- که یکی از سخن شناسان نام آور قرن هفتم است ، می نویسد : امیرالمومنین " امام المتقین ، علی بن ایطالب (ع) با آنکه امام ابرار و قدوه ای اختیار ، سید فقیهان و مقدم شجاعان بود ، فصاحتی داشت که عقود جواهر از انفس او در غیرت ، نجوم زواهر از الفاظ او در حیرت اند . عمرو جاحظ که در کمال فصاحت و وفور بلاغت ، نادره ای این امت بود ، از مجموع کلام امیرالمومنین (ع) که جمله ای بدایع غرور و روائع درر است . صد کلمه اختیار کرده است هر کلمه ای را برابر ، هزار دانسته به و نبشته و خلق را یادگار گذاشته است ، و اجب دید آن صد کلمه را با دو عبارت نظم و نثر پارسی تفسیر کند و در تفسیر هر کلمه ، دو بیت شعر از منشآت خود ، که مناسب آن کلمه بود آورد ، تا قاعده ای آن عام تر بود ، و منفعت آن تمام تر و هر دو فریق با هم ارباب نظم و هم اصحاب نثر ، در لطافت آن رغبت نمایند. (۴۹)

سید رضی و شیفتگی او به کلام طیب (ع)

۳- سید رضی آن دانای به اسرار سخن گوید : امیرالمومنین (ع) افصح فصاحت و سرچشمه بلاغت است ، رازهای بلاغت از او آشکار گشت و قوانین آن از او گرفته شد ، هر گوینده ای زبان او ، بر نمونه ای او گام زد و هر سخنور و واعظی از کلام او یاری جست او در این راه پیشتاز است و دیگران برجای مانده ، او در پیش است و دیگران عقب مانده ، سخنان او رنگ از علم الهی دارد

محمد بن یحیی کلبه و اعتراف به برتری سخنان طیب (ع)
عبدالحمد بن یحیی کاتب که وزیر مروان - آخرین خلیفه ای اموی - که در کتابت و بلاغت

ضرب المثل بود ، گوید: هفتاد خطبه ای اصغر را از بر کردم ، سرچشمه ای بلاغت در من جوشید و جوشید. (۵۱)

ابن ابی الحدید و شیفتگی های او ، در بلاغت طیب (ع)

۵ - عبدالحمد بن ابی الحدید معتزلی ، در ذیل نامه ای ۳۵ نهج البلاغه ، ذیل این جملات : (محمد بن ابی بکر - رحمه..... قد استشهد ، فعتد نختیه ، ولداً أناصحاً ، وعاملاً کادحاً ، و سیفاً قاطعاً ، و رکناً دایفاً) یعنی ؛ و محدثین ابی بکر که خدایش پیامرزد شهید گوید ، پادشاه او را از خدا می خواهم ، فرزند خیرخواه ، کارگزار کوشا ، تیغی برنده و رکنی باز دارنده بود . می گوید : به فصاحت بنگر که چگونه زمام اختیار خود را به این شخص داده ، لگام خود را به ملکیت او در آورده است . شگفتا! در این کلمات بلند که بی در پی می آیند و چه سال از او فرمان می برند و چگونه به زبان وی جاری می شوند ، همچون زنجیره ای روان ، بدون هیچ دشواری بیرون می جهند . تو و دیگر فصیحان ، هر گاه نگارش نوشته ای ، یا بیان خطبه ای از خطبه های علی (ع) را شروع کنید ، قرینه ها و فاصله ها ، گاه مرفوع ، گاه منصوب و گاه مجرور می آیند . هر گاه بخواهید از روی اجبار ، بریک نوع اعراب تاکید ورزید ، اثر ساختگی برون آن روشن و علامت آن واضح می گردد. این نوع بیان یکی از انواع اعجاز در قرآن است که عبدالقاهر از آن یاد کرده و گفته است : به سوره نسا و سوره ای بعد از آن (مانده) بنگرید ، که در سوره اول همه ای فواصل منصوب اند ، و در دومی هیچ نصبی وجود ندارد ، اگر یک آیه ای از دو سوره را با دیگری در آمیزی ، باهم آمیخته نمی شوند ، و هر گونه ترکیب و تالیف بین آن دو ، هویدا خواهد شد . از آن گذشته ، فواصل هر دو سوره به روشی است که مقتضای طبیعی بیان است ، هیچگونه آثار ساختگی در آن ها دیده نمی شود. آنگاه به صفت ها و موصوف های این بخش از نامه بنگر که چگونه می گوید : (ولداً أناصحاً ، وعاملاً کادحاً) اگر میگفت : (ولداً کادحاً ، وعاملاً أناصحاً) فرزند پرتلاش و کار گزار خیر خواه ، به هیچ وجه درست و به جا نبود . شگفتا! از کار خداوند در برخورداری این مرد ، از این همه امتیازهای ارزشمند و ویژگی های بزرگ ، و شگفتا! از آنکه فردی ، از فرزندان مکه باشد ، با حکیمان رابطه و سروکار نداشته باشد ، ولی از افلاطون و ارسطو ، به حکمت و نکته های علوم الهی آشنا تر باشد . با فیلسوفان اخلاق و روان شناسی رفت و آمد نداشته باشد ، ولی با این حوزه دانا تر از سقراط باشد . البته آن را که محمد (ص) تربیتش کند و بزرگ کننده اش باشد ، شگفت نیست که چنین باشد. (۵۲)

ابن ابی الحدید از ابو عثمان جاحظ نقل می کند که وی گفته است : جعفر در این سخنان علی (ع) در شگفت مانده است : (این من جدا و اجتهد ، و جمع و احتشد ، و بنی فشید ، و فرش فمهد ، و ذخرف فیخد) یعنی کجا بندگان کسانی که کوشیدند و تلاش کردند ، گرد آوردند و انباشتند ، بنا کردند و استوار نمودند ، فرش کردند و گسترانیدند ، نقاشی کردند و زیبا ساختند ؟ و گفته که نمی بینی که هر لفظی دست به گریبان نظیرش افکنده ، و آن را به سوی خود کشانده و به ذات خود بر آن دلالت می کند .

ابن ابی الحدید می گوید: ما تردید نداریم که او (علی) از گوینده ای به زبان عرب ، از پیشینیان و پسینیان ، بجز از خدا و پیامبر (ص) فصیح تر است ؛ دلیل آن این است که ارزش خطیب و نویسنده ، در سخنرانی و نوشته های شان ، بر دو پایه استوار است : مفردات الفاظ و ترکیبات . مفردات سخن باید آسان. زنجیروار ، مانوس و بدون پیچیدگی باشد . و الفاظی را که علی (ع) به کار می برد ، همچنین بود. در ترکیب نیز ، خوش معنایی ، سرعت انتقال آن معنا به اذهان ، برخوردار داری های آن ترکیب از ویژگی هایی که به اعتبار آنها ، بعضی از سخنان بر بعضی دیگر برتری پیدا میکند ، ضروری است . مقصود از ویژگی های یاد شده ، همان صنعتی است که متأخرین را بدیع می نامند ، یعنی صنایع مقابله ، مطابقت ، حسن تقسیم ، برگرداندن پایان سخن به آغاز آن ، تسهیم ، ترشیح ، مماثلت ، استعاره ظرافت در به کارگیری مجاز ، موازنه ، مکافهه ، تمسیط ، مشاکله . تردیدی نیست که همه ی این صنعت های ادبی ، در خطابه ها و نامه های حضرت علی (ع) موجود است ، و در جای سخن و کلمات او گسترده و پراکنده است و این دو مزیت احسن مفردات و حسن ترکیبات ، همراه هم جزء در سخنان او ، در سخن هیچکس وجود ندارد .

ابن ابی الحدید گوید : اگر وی (علی) با اعمال نظر و تدبیر قبلی ، به ریختن و چیدن و جابه جایی کلمات آن پرداخته است ، کار شگفتی را انجام داده است . او در همه ای این موارد امام مردم است ؛ چه ، او مبتکر این گونه سخن گفتن است و کسی پیش از او ، به چنین شیوه ای آشنایی نداشت . ولی اگر آن را ابتدا بداهه گوئی کرده و به طور ناگهانی بر زبان جاری ساخته ، طبعش به طور بداهه و بدون اندیشیدن و به کار افتادن ، به جوش آمده است که بسیار بسیار شگفت است . به هر صورت او برنده این مسابقه است ، و فصیحان در پی او نفسشان بریده است چنانچه معاویه ، در پاسخ محقق خوبی که گفت : " از نزد گنگ ترین آمده ام ؛ گفت: ای پسر زن بد بو ! در باره ای علی (ع) چنین می گویی ؟ آیا جزء او کسی فصاحت را برای قریش پایه گذاری کرده است (۵۳)

دلش علی سرچشمه ای غیبی دارد

نگارنده : بسی جای شگفتی است از امثال بن ابی الحدید ، چگونه با تردید می گوید : حضرت علی (ع) این سخنان بدیع را به صورت ناگهانی ، بدون تدبیر و آمادگی قبلی ادا کرده است ، یا با تدبیر و آمادگی قبلی ! وی غفلت کرده از آنکه علم آنحضرت سرچشمه ای غیبی دارد و ریشه ای خدای ، چه ، با روش عادی و معمولی کجا امکان دارد ، کسی چنین علمی از استاد فراگیرد ، بی تردید خواست آنحضرت از این سخنان ، نه ترس است نه انشاء و نه کوشش : آوردن سجع ، یا توصیف ، طباق ، مقابله ، و دیگر هنرهای لفظی و معنوی . با این همه ، سخنان او آراسته به چنین زیور هاست . خطبه های گوناگون نهج البلاغه ، به حکم ضرورت در اجتماع مسلمانان (جمعه ، جماعات ، میدانهای جنگ) القاء می شده و بدون تردید ، گوینده ای آن (علی) پیش از آغاز خطبه ، در لفظ نیاندیشیده و قبلاً معنا را در خاطر نسپرده ، اما آنچه از معنا در قالب لفظ آورده است ، زیور صنعت را

یکی پس از دیگری ، هر چه زیبا تر و متناسب تر به خود می گیرد. این گونه انشا سخن و خطبه ها ، گاهی وقت به درخواست کسی ، یا بالبداهه و بدون تدبیر و آمادگی قبلی ایراد می شده ، چنانچه همام از آنحضرت خواهش کرد ، متقین را توصیف نماید ، آنحضرت در دم خطبه ای متقین را خواند ، آنچنان تاثیر کرد که پس از پایان خطبه همام فریادی کشید و مرد . این گونه انشا سخن ، فن کسانی نیست که بتواند از راه تدریس ، محاوره ، تمرین و بر آن دست یابند . بلکه موهبتی است خاص که از خزانه ای علم الهی ، به نادره مردان جهان تفویض می گردد. جورج جرداق ، تا حدودی حق مطلب را اداء کرده و نوشته است : در واقع این خطبه ها در قلب او جوشان بود ، و از خاطر او می گذشت و به زیانش جاری بود ، بدون آنکه زحمتی به خویشتن بدهد ، یا کوششی را با خود هموار سازد ، درست مانند برق که هنگام درخشیدن ، قبلاً از آن خبر نمی دهد ، یا مانند صاعقه و تندر که می غرد بدون آنکه خود را برای آن آماده سازد ، مانند تند باد ، در آن هنگام که می وزد و می پیچد و می رود زمین را جاروب می زند ، بدون آنکه در این رفت و برگشت ، جز قانون حادثه و اقتضای حال ، انگیزه ای وجود داشته باشد. (۵۴) مسعودی گوید: آنچه مردم از خطبه های علی بن ایطالب (ع) حفظ کرده اند ، چهار صد هشتاد و چند خطبه است که وی بالبداهه ایراد کرده است ، و دیگران آنها را دهن به دهن نقل کرده اند . (۵۵) باز هم این ابی الحدید و اعجابش در مورد خطبه های علی (ع)

سخن نجیبی طلاب مرزه طیب کلان برگزار کرد

محمد ظفر جعفری

در تاریخ ۲۲ / ۱ / ۱۳۸۷ امتحان تجدیدی مشروطین و آن عده از مردودینی که در امتحانات بیستم عقرب سال ۱۳۸۶ شرکت نموده بودند توسط هیئت محترم علمی به همکاری هیئت اجرائی شورای مدیریت حوزه علمیه کابل در مدرسه جامعه الاسلام برگزار گردید ، طبق فیصله شورای مدیریت حوزه علمیه کابل ، بخاطریکه با طلاب و محصلین محترم علوم دینی ارفاقی صورت گرفته باشد تنها از مضامینی امتحان گرفته شد که در آن مضامین نمره کمتر از ۱۲ داشتند و در آن مضامین که در امتحانات ۲۰ عقرب از ۱۲ نمره به بالا داشته اند دوباره امتحان گرفته نشود . بعد از اخذ امتحان هیئت محترم علمی بعد از تهیه جوابهای اصلی و مادری مشغول بررسی اوراق امتحانی گردیده بالاخره نتایج امتحانات را اعلام نمودند ، که تقریباً ۹۰٪ شرکت کننده گان در این امتحان قبول گردیده اند امتحانات پذیرشی جدید همزمان با امتحانات ارتقائی سالانه طلاب برگزار خواهد شد. قابل تذکر اینک: عده از طلاب و محصلین از شورای مدیریت حوزه علمیه کابل درخواست دارند که پایه های امتحانی را اعلام نمایند تا شرکت کنندگان بتوانند تا برگزاری امتحانات سالانه آمادگی بهتر بگیرند.

ادامه از صفحه دوم/

و اغلب اعضا جلسه تصویب کرد که پیامبر عالیقدر اسلام را، به عنوان مجنون و آدم خیالی معرفی نمایند اینک بعد از هزار و چهارصدسال اقدام عجولانه و نا بخردانه نشریه های دانمارکی و هالندی هراسان واقع بین را بیاد وضعیت پر از آشوب قریش میندازد. با توجه به ناکار آمدی تمام توطئه های دشمن (اعم از تهاجم فرهنگی جمله نظامی، تحریم اقتصادی، بلند بردن قیمت اولیه و ایجاد نفاق بین مسلمین، (و نفوذ اسلام در متن اروپا مشابهت عجیب است بین اقدامات سران قریش و نشریه های معاصر و این نکته یقینی است که توهین به پیامبر آخرین حربه است که حکایت از ضعف و زبونی دشمن است. اما جای سوال این است که وظایف امت مسلمان در قبال این وقایع تکان دهنده چیست؟ و مسلمانان جهان چه عکس العمل را باید روی دست گیرد؟ شک نیست که اقتدا به مسلمانان صدر اسلام و پیروی از آنان تنها راه پیروزی نهائی که در غیر این صورت دشمنان به اهداف پلید خود دست خواهد یافت و اقدامات آنها موجب تضعیف مسلمین خواهد شد. همانطور که مسلمانان صدر اسلام در مقابل توهین و تحقیر کفار در قریش ساکت نمانده بلا معطل مقدمات هجرت پیامبر را از مکه به مدینه فراهم ساخت و در مدینه به استحکام پایه گاهی خویش به طور مرتب و پیگیر مشغول گشت ایجاد اخوت اسلامی به معنی واقعی کلمه در میان مسلمین که همکاری اقتصادی و اجتماعی را در پی داشت از کار دیگر مسلمین صدر اسلام بود. علاوه بر اینها مسلمین آن روز بلافاصله اقتدار خود را به نمایش گذاشته به مانور های نظامی شروع نمود و راه تجارت مکه و شام را تحت کنترل گرفته به قریش فهمانند که در صورت مخالفت با اسلام کار بازرگانی شما به شدت تحت تاثیر قرار گرفته آسیب پذیر خواهد شد. بنا بر این پیشنهاد من اینست که مسلمین جهان امروز قبل از همه چیز نیاز به یک هماهنگی کامل و یک اخوت عملی دارد که تصمیم های مبنی بر منافع اسلام اتخاذ گردد. و روابط تجاری مسلمانها با کشور های توهین کننده قطع گردیده نمایندگی سیاسی شان نیز در کلیه کشور های اسلامی تا زمان معذرت خواهی به حالت تعلیق در آید. اگر دولت های اسلامی تصمیم قاطع نگرفت بر ملت های مسلمان استکه دست به کار شده دولت های خویش را وارد به عکس العمل نماید. به راستی اگر ما برای براندازی نقشه های دشمن تصمیم قاطع و واحد نگیریم پیغمبر از ما راضی نخواهد بود.

از غار حرا تا قتلگاه کربلا

قسمت چهارم

اولی بر حراست موسی اسلام

محمد داود باهنر

بعد از جنگ جمل قریش تقریباً در کلیت خود از امام علی (ع) بریدند، بعضی به معاویه ملحق و بعضی دیگر بگونه معنی دار به انزوا نشستند، طبعاً این خالیگاه بوسیله افراد درویشی قبایل جنوبی (یمنی) و بعضاً شرقی شبه جزیره پر میشد. به همین دلیل در این برهه از تاریخ اسلام نام افرادی چون ابوموسی اشعری، اشعث بن قیس، مالک اشتر و حجر بن عدی که سه نفر اخیر که به قدرت مند ترین قبیله یمن (طائفه کنده) تعلق داشتند برجسته میشود مالک اشتر و حجر بن عدی جدی ترین و سرسخت ترین دوستان امام علی (ع) اما ابوموسی و اشعث بن قیس در قبال امام علی احساس دوگانه داشتند این دو نفر که در زمان خلفاء قبلی حضور لذت مند بر سر سفره قدرت را تجربه کرده بودند درد سرهای فراوان را برای امام علی (ع) بوجود آوردند، نقش مالک اشتر سردار یمنی تبار در کنار امام علی به نقش خالد بن ولید در کنار اولین خلیفه از نظر نظامی قابل مقایسه است، با این تفاوت که از نظر اخلاق، اخلاق فردی از تند رویهای خالد در کردار مالک اشتر خبری نیست چون نامه مشهور امام علی در فن حکومت داری بر بنیاد مصلحت عمومی رعیت، در خطاب به اونوشته شده فهمیده میشود که مدیر با اندیشه و دارای شخصیت بس والا بوده است. متأسفانه این اثر گران قیمت تا اواسط دوره صفوی صرفاً در کتابخانه ها نگهداری شده به صحنه عمومی ظاهر نشد، اگر میشد به احتمال قوی راه خود کامگی تا اندازه زیادی در تمدن اسلامی بسته میشد. تقریباً همه تاریخ نویسان مسلمان به گوناگونی سلیقه ها و عدم هماهنگی لازم در اردوی امام علی مقابل معاویه در جنگ صفین اجماع نظر دارند، به هم فشرده نگهداشتن صفوف مسلمان تنگدست و سرداران قریشی با سلاطین متفاوت بدون بهره گیری از عنصر هراس و تطمیع که در تضاد با منطبق عصمت قرار داشت، کاری بغایت دشوار مینمود پافشاری امام علی بر روی موازین دینی در رفتار عملی و حرارت ایمانی بی بصیرت جمعی از پیروان او، اردوی عراق را گام به گام به سوی ناکامی رهسپار میکرد. یکی از دلایل چنین وضعیت پیچیده جابجائیها نسبتاً وسیع اجتماعی و آسیب دیدگی نظام ثابت قبیله بوسیله دعوت دینی بود، به عبارت دیگر چون آموزه های اسلام با فطرت انسانها سازگاری داشت، از این نظر حیثیت کاملاً فراقبیلوی داشت و تاحدی در اعماق ذهن مردم عراق و حجاز نفوذ کرده بود و نیز این نفوذ آن اندازه عمیق نشده بود که کاملاً جای قبیله و مقتضیات آن گرفته باشد،

این عمل اردوی ناهماهنگ علی را بسوی انفجار درونی دیگر سرعت سوق داد. ماجرای ما بعد حکمت و فریب خوردن ابوموسی عذاب وجدان سنگینی را در سپاه امام علی بوجود آورد که منجر به عصیان متقیان و زدهای بی بصیرت در برابر امام علی شد. روان شناسان اجتماعی معتقدند هر گاه اختلاف شدید در بهره مندی از لذایذ دنیای در چهره قدرت و ثروت و شهرت در جوامع دینی - قومیتی رونما گردد این حس محرومیت برای بی بهره گان در قالب تعصب شدید و انتقام جویانه دینی و مذهبی در عرصه قدرت بروز می یابد بنابراین ظهور متدینان خشمگین و خداخواه بهشت طلب آنهم از درون طوائف شرقی و جنوبی شبه جزیره عرب در آن دوره قابل دقت است. و وجه دیگری از اختلافات طبقاتی را بپیش زمینه های تباری را به نمایش میگذارد که یقیناً باسیاست های اتخاذ شده در مرکز از طرف مدیران قبلی مدینه النبی (ص) بی ارتباط نمیتواند باشد. تقوی و تقدس ظاهری آن جمع (خوارج) هردلی را برای مبارزه با آن میلرزانند و هربازوی را سست مینموند از طرف دیگر مشاهده خشونت و قساوت آنها با سایر مسلمانان همه را وحشت زده میکرد. در چنین شرایطی امام علی با اعتماد کامل در میدان نهروان ابتدا به نصیحت پرداخت و سپس در جمع باقی مانده بی محابا تاخت، چون از جنگ با عبادت گران ظاهراً بی میل بدنیا اما راه گم کرده و قسی القلب پیروز بر آمد، مفتخرانه اعلام داشت: انا حقاً عین الفتنه... تنها من بودم که چشم این فتنه را برکندم به جزم کسی دیگری جرأت چنین کاری را نداشت. (نهج البلاغه) مخرج مشترک همه این تحولات حکایت از تبارز با مجدد ارزشهای جاهلی در برابر ارزشهای دینی در بستر فکری فرهنگی اعراب آن دوره است، که حتی سیره معصومانه و خطابه های آتشین و بیم و امید دانهای شخصیت چون امام علی (ع) نیز از ساماندهی قبائل عرب حجاز و عراق برای نبرد با اهل شام عاجز ماند بود. اما معاویه در شام چنان به تقویه بنیاد حکومتی به تعبیر مولنا مودودی شاهانه متخذ از ایران روم عرق ریزانه فعالیت داشته سرعت برای مقابله دوم با امام علی (ع) آمادگی میگرفت. در اوایل سال خلافت امام علی (ع) از قبایل عرب تقریباً مأیوس شده بود، در صدد آن برآمد که برای از میان برداشتن امویها لشکری که عمدتاً از قبایل عجمی شرق عراق باشد ترتیب دهد، بدین منظور فرزند دومش امام حسین (ع) به سرعت کار را آغاز نمود، اما بی سامانی موجود در قلمرو حاکمیتش چنین چیزی نگذاشت از اندیشه به عمل پیاده شود و بگونه مرموزی بوسیله بامانده نهروانی بنام ابن ملجم مرادی و به عقیده بعض مورخین از جمله سید جعفر شهیدی به تحریک اشعث بن قیس به شهادت رسید